فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیستم. بهار ۱۳۹۷، صص۱۸۹-۱۷۵ Vol 2. No 20. 2018, p 175-189
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

مطالعه تطبیقی اعتبار شاهد واحد در اثبات جرم در حقوق ایران و مصر

آذر آچاک[1]. صادق مرادی[2]
۱. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرمشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران. ایران
۲. دکترای حقوق جزا عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران. ایران

چکیده

شهادت یکی راه های اثبات ادعا است که از دیر باز در تمام ادیان و کشورها مورد توجه قرار گرفته است و شاید بگوییم ارتباطی به دین و مذهب خاصی هم ندارد و تنها بینه ای است که در تمام کشورها به صورت مستقیم پذیرفته شده است. با توجه به معیار شهادت و شرایط موجود جهت اخذ شهادت از شاهد مسائل بسیاری مطرح گردیده است که می‌توان گفت از اینم جهت در مورد شهادت نظریات بسیاری در قوانین و حقوق مختلف کشورها وجود دارد. امروزه در اکثر کشورها شهادت امری است مهم و حائز اهمیت در زمینه اثبات جرم و بسیاری وقایعی که در زمینه ی قانون شکنی رخ می‌دهد. با نظر به تعریف شهادت در کشورهای اسلامی آنطور که پیداست شرایط و سمع شهادت بر طبق آموزه های قرآنی مورد نظر قرار می گیرد تغریبا شرایط استماع شهادت نیز در این کشورها نزدیک به هم است اما در مبحث اعتبار شهادت بسی جای سخن هست به ویژه اعتبار تعداد شاهد اما آنچه که امروزه مشخص است تعداد شاهد زیاد ملاک امر قرار نمیگیرد و بیشتر همان ماهیت خود امر شهادت مورد توجه است با این حال مقاله کنونی در پی بررسی اعتبار شاهد واحد با مطالعه ای تطبیقی در حقوق ایران و مصر است.

واژه‌های کلیدی: شهادت، اعتبار شاهد، مطالعه تطبیقی، ایران، مصر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

مقدمه

شهادت یکی از راه راه های اثبات ادعاست که با توجه به قانون هر کشوری میتواند متفاوت باشد. وقتی دعوایی صورت میگیرد مسلما افراد نیاز به بینه و دلیلی دارند و آنطور که پیداست قانون اکثر قریب به اتفاق کشورها در قبول شهادت که بینه ای معلوم است اتفاق نظر دارند. با توجه به حائز اهمیت بودن امر شهادت در حقوق مختلف کشورها تعریف های زیادی برای آن انجام گرفته است اما در هیچ قانونی در جهان شهادت به صورت واضح تعریف نشده است چرا که شاید امری مسلم و معلوم و شفاف است. با این حال در گذشته بسیاری از کشورها شهادت را به عنوان بینه ای مستدل و قانع کننده قبول نداشتند بیدن منظور که شهادت اعتباری نداشت اما زمانی که این مسئله کنار گذاشته شد و شهادت اعتبار خود را در میان راه ها اثبات ادعا در قوانین یافت مسئله اعتبار شهادت پیش می آمد که در بررسی های مختلف به آن پرداخته اند. در کشورهای اسلامی قوانین مربوط به شهادت از قرآن کریم گرفته شده است. امر اعتبار شهادت در اسلام به تعداد شاهد بسیار حساس است و در اکثر نوشته ها و کتاب های فقها به آن پرداخته شده است. اعتبار شاهد واحد نیز یکی از مسائلی است که به آن پرداخته شده است اما اینکه آیا در قانون به اندازه کافی به آن پرداخته شده است یا خیر و یا اینکه آیا شاهد واحد اعتباری دارد یا نه مسئله این بحث است. مقاله ی کنونی با مطالعه ای تطبیقی در میان حقوق ایران و مصر به بررسی اختصاری موضوع اعتبار شاهد واحد پرداخته است و در پی روشن‌گرایی در مسئله ی مطورحه می‌باشد. روش تحقیق در مقاله کنونی به صورت کتابخانه‌ای بوده و به روش توصیفی- تحلیلی انجام میگیرد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱-مفهوم شهادت

لغت شهادت از ریشه «شهد» اقتباس گردیده است و در کتب لغت معانی بسیاری برای آن به رشته ی تحریر در آمده است از جمله: حاضر شدن- دانستن- ملاحظه کردن و خبر دادن.

برخی بر این اعتقاد هستند مراد از لفظ شهادت در فقه، اعلام و اِخبار از چیزی است که خبر دهنده به آن علم داشته باشد، چه علم از طریق حواس ظاهری یا غیر آن حاصل گردد. (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۱۷)

همچنین شهید اول می فرماید: شهادت در معنا لغوی آن به اخبار یقینی اطلاق می شود و در شرع عبارتست از خبر دادن از حق ثابتی برای شخص دیگری به شرطی که خبر دهنده قاضی یا حاکم نبوده باشد. زیرا در این صورت حکم محسوب است نه شهادت. وی در ادامه می‌فرماید: با این قید، اخبار خداوند و رسول گرامی او و ائمه معصومین علیهم‌السلام داخل در تعریف بوده و شهادت محسوب می‌شود. همچنین است خبر دادن حاکمی به حاکم دیگر، چون در این حالت انشاء حکمی مطرح نیست. (مسالک ۱۴۱۳، ۱۴: ۱۵۳).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

صاحب جواهر با استناد به آیه مبارکه «فمن شهد منکم الشهر» شهادت را در لغت به «حضور» تعبیر نموده و معنی اصطلاحی آن را در شرع، همان تعریف شهید اول عنوان می‌کند، الا اینکه در نتیجه‌گیری اظهار می‌دارد: نظر به اینکه مرجع تعریف لفظ شهادت به معنی عرفی آن برمی‌گردد، لذا اصوب آن است که تعریف آن را به عرف واگذار کنیم. چرا که معلوم نیست معنی شرعی مخصوصی داشته باشد. (نجفی، ۱۳۶۷، ۴۱: ۷)

صاحب العناوین الفقهیه (مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ۲: ۶۴۸) شهادت را در لغت و عرف به یک معنی می‌داند و می‌فرماید: شهادت در «اخبار از روی علم نسبت به امری که متعلق به دیگری باشد»، ظهور دارد. لذا اقرار شخص علیه خودش نیز می‌تواند شهادت تلقی شود زیرا مصداق اخبار از روی علم است.

برخی از متاخرین (روحانی، ۱۴۱۴، ۲۵: ۲۶۴) به تعریفی که در مسالک و جواهر از شهادت صورت گرفته متعرض شده و گفته‌اند: ظاهر نشانگر این است که هیچ حقیقت شرعیه یا متشرعیه‌ای برای تعریف اصطلاحی مذکور وجود ندارد. بلکه شهادت در غیر این معنی به کار رفته است.

۱-۲- مفهوم شهادت در قرآن کریم

بنا به نظر مفسرین (القرطبی، ۱۴۰۵، ۶: ۳۴۷) کلمه «شهد» در قرآن، در معانی مختلفی به کار رفته است:

۱- به معنی حضور. در آیه ۲۸۲ سوره بقره «واستشهدوا» یعنی حاضر کنید.

۲- به معنی اعلام. در آیه ۱۸ سوره آل عمران، آنجا که می‌فرماید: «شَهد الله انَّه لا اله الا هو».

۳- به معنی اقرار کردن، مانند: آیه ۱۶۶ سوره نساء «والملائکه یشهدون».

۴- به معنی حکم کردن، مانند: آیه ۲۶ سوره یوسف «وشهد شاهد من اهلها».

۵- به معنی سوگند خوردن، آن گونه که در آیه لعان آمده است.

۶- به معنی وصیت کردن، در آیه مبارکه: «یا ایها الذین آمنوا شهاده بینکم». اگرچه گفته شده در این آیه به معنی حضور برای وصیت است، نه خود وصیت.

اما آنچه که به معنی موردنظر و اصطلاحی (یعنی شهادت شهود) در قرآن آمده، در آیات ۲۸۲ و۲۸۳ سوره بقره می‌باشد. در آیه اول در دو موضع، امر به اشهاد و احضار شهود کرده و در آیه بعدی حرمت کتمان شهادت را پس از تحمل آن گوشزد کرده است (ولا تکتموا الشهاده).

در موضع اول از آیه دین (۲۸۲ سوره بقره) می‌فرماید: دو نفر از مردان حاضر در جلسه را به عنوان شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن برای این امر لازم است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

۲-شروط اعتبار شهادت

۲-۱- شرایط شاهد

آنطور که مشخص است ماده ۱۳۱۳ق. م اصلاحی ۱۳۷۰ مقرر می دارد: «در شاهد بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد شرط است» (دمشقی، بیتا، ۲۱۵).

ماده ۱۵۵ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۷۸ نیز مقرر می دارد: «در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل شرعی استناد می نماید، لازم است شاهد دارای شرایط زیر باشد. بلوغ، عقل، ایمان، طهارت مولد، عدالت، عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی، عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوی و عدم اشتغال به تکدی و ولگردی ماده۱۳۱۳ مصوب ۱۳۱۴ مقرر می داشت: شهادت اشخاص زیر پذیرفته نمی‌شود.

۲-۲-شرایط ایجابی

درباره باب شهادت، علمای شیعه، اعم از متقدمان و متاخران از پنج تا ده شرط را برای شاهد ذکر نموده‌اند بدین ترتیب که اکثر علما شش شرط را بیان کرده اند و اقلیتی هفت شرط را لازم دانسته اند اختلاف این دو دسته در این است که دسته دوم، شرط اسلام و ایمان را جداگانه مطرح کرده اند، ولی دسته اول آن دو را یک شرط دانسته اند.

مرحوم شهید اول در الدروس الشرعیه شرایط را ده عدد ذکر نموده است در مقابل، مرحوم خویی در مبانی تکمله المنهاج شرایط را پنج عدد دانسته است .ما نیز به متابعت از اکثریت علما، بحث را بر اساس شرایط ششگانه ادامه خواهیم داد زیرا با ذکر ایمان به عنوان شرط لازم در شاهدف نیازی به لحاظ نمودن اسلام به عنوان شرطی دیگر نخواهد بود و در جای خود، دلیل مطلب توضیح داده خواهد شد. شرایط ششگانه ای که وجود آنها در شاهد لازم است عبارتند از بلوغ«، عقل، ایمان، عدالت، طهارت مولد و انتفای تهمت در شاهد» که در این سطور به توضیح هر یک از آنها خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱- بلوغ

علمای شیعه و سنی به اتفاق شهادت غیر ممیز را مردود دانسته اند، ولی درباره شهادت طفل ممیز، بین علما اختلاف است که دلیل اختلاف نظر چند روایت است که موجب برداشتهای مختلفی شده است به طور کلی درباره پذیرش شهادت طفل ممیز، هشت قول وجود دارد:

الف: شهادت اطفال ممیز فقط در قصاص و جراحات پذیرفته است به شرط این که اطفال ده ساله باشند و بعد از حادثه تا ادای شهادت، متفرق نشده باشند و اجتماعشان بر امر مباح باشد (علامه حلی، بیتا، ص۲۰۷)

ب: شهادت اطفال مییز فقط در قتل و جراحات سر و صورت پذیرفته است، مشروط به دو شرط:

۱- عدم تناقض گویی در شهادت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

۲- اطفال، همه به یک نحوه شهادت دهند (براج طراولسی، بیتا، ص۱۳۶)

ج: بنابر مسئله‌ی پیشین شهادت اطفال ممیز فقط در جراحات سر و صورت پذیرفته می‌شود و هر گاه گفتارشان چندگانه باشد، گفته اول آنان معتبر است (علم الهدی، بی تا، ص ۴۳)

د: شهادت اطفال ممیز فقط در جراحات پذیرفته است مشروط به این که اطفال در شهادتشان اختلاف گفتار نداشته باشند و درباره مشهود به بر کار حرامی گرد هم نیامده باشند (همان، ۱۰۹)

شهید اول نیز همین نظر را دارد و در الدروس الشرعیه یک شرط را بیان نموده است و آن این که فقط به گونه اول اطفال اعتنا می کنیم (در صورت حصول تعدد گفتارشان) اما در اللمعه الدمشقیه دو شرط را ذکر نموده اند که اجتماع آنها بر امر مباح و پراکنده نشدنشان بعد از شهادت است.

ه: شهادت اطفال ممیز در مورد قتل پذیرفته است و در مورد جراحات با اشکال مواجه است (خویی، بی تا، ص ۲۳)

و: شاهد مکلف است به تحمل و ادای شهادت، در حالی که طفل تکلیفی ندارد و این مکلف بودن شاهد و عدم تکلیف طفل، با هم ناسازگارند

ر: اصل اولی، عدم اثبات حق به وسیله شهادت است، شهادت فرد بالغ جامع الشرایط از تحت این اصل خارج و مورد قبول واقع می شود، و شهادت طفل ممیز در تحت این قاعده کلی باقی است بنابراین در مخالفت با اصل باید به قدر متیقن اکتفا کرد.

(خداوند در قرآن فرموده است: «و استشهدوا شهیدین من رجالکم. . . » ف کلمه رجال بر طفل صدق نمی‌کند.

ک: شهادت طفل بر خود او قابل قبول نیست، پس بر دیگران باید به طریق اولی قبول نباشد (محقق اردبیلی، بی تا، ص ۱۴۸) به نظر می رسد دلایل مذکور، خالی از قوت نباشد.

۲-۲-۲-عقل

ویژگی دومی که برای شاهد لازم است، کامل بودن عقل است بنابراین، شهادت مجنون به دلیل اجماع قبول نیست، بلکه این مطلب جزء ضروریات دین و مذهب است و لازم نیست برای آن در قرآن و روایات به جستجوی دلیل پرداخت .شهادت مجنون ادواری در حال جنون نیز پذیرفته نیست، اما در اوقات هوشیاری پذیرفته است، مشروط به آن که حضور ذهن و هوشیاری کامل او در هنگام تحمل و ادای شهادت برای قاضی کشف شود زیرا ادله شهادت که در قرآن و روایت آمده است این مورد را شامل می‌شود شهادت شخص فراموشکار (کسی که غالبا به او فراموشی دست می دهد) پذیرفته نیست، زیرا فراموشی او باعث می شود که مفاد لفظ و معنا را تغییر دهد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

همچنین شهادت شخص ابله و کودن پذیرفته نیست، چون این وصف او باعث می گردد ناخودآگاه به اشتباه بیفتد و یا فریب بخورد بنابراین، سزاوار، بلکه واجب است از پذیرش شهادت چنین فردی خودداری گردد، مگر این که برای قاضی عدم اشتباه فرد مذکور در چنین موردی محرز باشد

در این باره امام علی (ع) در تفسیر آیه مبارکه «ممن ترضون من الشهداء (بقره، ۲۸۲) می‌فرماید: «فمن ترضون دینه و امانته و صلاحه و عفته و تیقظه فی ما یشهد به و تحصیله و تمییزه و ما کل صالح ممیز و لا کل مییز صالح» (حرعاملی، بیتا، ص۲۳) مراد از این که خداوند فرموده است (گواهان شما از کسانی باشند که مورد رضایت شماست) کسانی که شما از دینداری، امانت داری، صالح بودن، عفیف بودن و فطانت او در مورد او مشهود به و تحصیل و تمییز دادن او راضی باشید زیرا هر صالحی تمیز دهنده امور نیست و هر تمییز دهنده ای صالح نیست .فقها درباره لزوم کمال عقل در شاهد توافق نظر دارند علاوه بر این بعضی گفته اند: اگر برای کسی سهو و نسیان عارض شود، ولو به صورت غالب نباشد، و باعث عدم اعتماد عقلا بر شهادت او شود، شهادتش مردود است، زیرا ادله پذیرش شهادت، منصرف است به شهادت متعارف و مورد مذکور، شهادت غیر متعارف است.

۳- هر شاهد یک دلیل

بعضی از مواردی که فقهاء، تنها یک شاهد را برای اثبات کافی می پندارند به این شرح است:

شیخ انصاری (۱۴۲۰، پیشین: ۲۷۳) در مبحث شهادت بر شهادت می‌فرماید: اگر از شهادت یک شاهد عادل، و ثوق به عدالت شهوداصل، حاصل شود (شهودی که در اصل موضوع شهادت داده‌اند و یک شاهد عادل شهادت بر شهادت آنها می‌دهد)، اقوی، کفایت وثوق (ظن) در قبول قول شاهد واحد است. و به روایتی نیز در تأیید قول خود استناد کرده است.

- در شهادت به حلول ماه رمضان، برخی فقهاء، با استناد به روایتی از امام علی (ع) (صدوق، پیشین: ۱۲۳) عقیده دارند برای اثبات هلال ماه رمضان، شهادت شاهد واحد کافی است، اگرچه برای اثبات هلال شوال شهادت دو مرد عادل لازم است (سلار، پیشین: ۹۴).

- در مورد شهادت به عدالت شهود، در عروه الوثقی (طباطبائی، پیشین: ۸۰۰) آمده است: اگر یک شاهد عادل به عدالت شخص دیگر شهادت بدهد، پذیرفته است. زیرا حصول اطمینان کافی است اگرچه از شهادت یک شاهد بدست آید.

- در ثبوت نجاست گفته شده با علم و بینه و شاهد واحد، قابل اثبات است. البته برخی در ثبوت آن با یک شاهد احتیاط کرده‌اند (طباطبائی یزدی، پیشین: ۹۸).

- در رضاع، امور زنانه و عیوب زنانه. اگرچه فقهاء، در هر موضعی که شهادت زنان را جایز شمرده‌اند، به جای دو مرد، به لزوم شهادت چهار زن تأکید کرده‌اند (محقق حلی، پیشین: ۹۲۲ و خوانساری، پیشین: ۱۳۷). برخی از آنها مانند شیخ مفید (المقنعه، ۱۴۱۰: ۱۱) می‌فرماید: اگر در عیوب زنانه و استهلال و رضاع،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

شاهدی بجز یک زن نباشد، در صورت اطمینان به او شهادتش پذیرفته است. برخی دیگر مانند ابن جنید و سلاربن عبدالعزیز (۱۴۱۴، پیشین: ۲۳۳) قول یک شاهد زن را در این موارد بطور مطلق نافذ و معتبر می‌دانند، بدون اینکه آن را مقید به حال ضرورت کرده باشند.

- مولف کتاب فقه السنّه -که از اهل سنت است- از قول برخی علماء، نقل می‌کند که شهادت یک مرد در برخی موارد مانند: شهادت بر ولادت- شهادت معلم در مورد شاگرد- شهادت در تزکیه شهود و جرح آنها- عزل وکیل و عیب کالا، پذیرفته است. همچنین از قول برخی نقل می‌کند که هر آنچه که حق را بیان کند، بینه محسوب است. لذا اگر حق، به هر طریقی آشکار شود (ولو با شهادت یک فرد)، تنفیذ آن واجب و تعطیل آن حرام است (السید سابق، پیشین: ۴ و۴۴۳).

٤- تاثیر تعداد شاهد بر اعتبار شهادت

در اصل اعتبار شهادت (مستفاد از آیات و روایات) نظر فقهاء، متفقا بر حجیت آن در احکام و موضوعات خارجی و باب ترافعات و تنازعات است. همانگونه که اشاره شد؛ برخی عقیده داشتند شهادت در عرف، منجر به وثوق می‌شود و توقع حصول علم و قطع، از آن نیست. عموم حجیت شهادت نیز هم در مورد دو شاهد و هم بیشتر از دو صدق می‌کند و هم در خصوص یک شاهد، الا اینکه اجماع بر دو شاهد بودن تأکید دارد (حسینی مراغه‌ای، پیشین: ۶۵۵).

یکی از روایاتی که در اعتبار شهادت، مورد استناد قرار گرفته حسنه حریز (کلینی، پیشین، ۵: ۲۹۹) از امام صادق (ع) است که از پسرش اسماعیل بدلیل عدم توجه به اظهارات مؤمنین در شارب الخمر بودن شخصی که اسماعیل به او اعتماد کرده و وجهی بدو سپرده بود، انتقاد کرده و فرمود: «... فإذا شهد عندک المؤمنون فصدّقهم ...» در اینجا حضرت امر به قبول قول مؤمنین و اعتماد به آنها نموده و فقهاء عظام از آن، عموم اعتبار و حجیت شهادت را استفاده کرده‌اند. محقق نراقی می‌فرماید لفظ مؤمنون در این روایت عموم استغراقی است. یعنی هر مؤمنی نزد تو شهادت داد، بپذیر. لیکن مومن واحد به دلائل دیگری استثناء شده، از قبیل: روایت منقول از امام صادق (ع) «کل شیئی لک حلال حتی یجیئک شاهدان یشهدان عندک أن فیه میته» (عاملی، ۱۴۱۴، ۲۵: ۱۱۸) و مرسله یونس (که مشخص نیست از چه کسی نقل کرده) «استخراج الحقوق أربعه وجوه. بشهاده رجلین عدلین و ...» (کلینی، پیشین، ۷: ۴۱۶) و روایات دیگری که الفاظ «شاهدان» یا «رجلان عدلان» یا «بینه العدول» در آنها تصریح شده، یا مرسله شیخ صدوق از امام صادق (ع) که شهادت یک مرد را به عنوان نصف شهادت قبول کرده (صدوق، پیشین: ۶۹) و غیره. لذا اصل اعتبار شهادت، از این روایت ثابت است و عدم کفایت شهادت واحد نیز با دلائلی که ذکر شد، احراز می‌شود. در نتیجه اعتبار شهادت دو نفر و بیشتر، به قوت خود باقی خواهد بود (نراقی، ۱۴۰۸: ۲۷۸).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

۵- روایت بر اعتبار عدد در شهود

برخی از قائلین به این قول با استناد به حسنه حریز به لزوم «دو شاهد عادل» بودن شهود در اعتبار شهادت نظر داده‌اند، اگرچه در اعتبار خبر، به یک نفر اکتفا کرده‌اند. مرحوم گلپایگانی در کتاب الشهادات چنین آورده است: در باب فصل خصومات و منازعات بین مردم، شارع مقدس تأکید بر احتیاط نموده، لذا اقتضاء حکمت این است که شهادت یک شاهد ثقه یا عادل، پذیرفته نشود. از سوی خود شارع نیز دلیلی بر صدور حکم به استناد شهادت شاهد واحد ملاحظه نمی‌شود و آنجا که شهادت خزیمه بن ثابت به عنوان دلیل پذیرفته شده «ذوالشهادتین» لقب گرفته است (نوری، ۱۴۰۹، ۱۷: ۳۸۱). لذا در شهادت، به خلاف اخبار و روایت، تعدد شرط است (گلپایگانی، پیشین: ۹).

برخی دیگر با استناد به ادله یاد شده گفته‌اند: اصل، در بینه این است که دو شاهد عادل مرد باشد و بیشتر از دو نفر نیز در شهادت، اعتباری ندارد (مکارم، پیشین: ۶۶).

این در حالی است که اخبار وارده در این باب دلالت دارند بر این که اثبات حکم، با شهادت دو شاهد عادل میسر است و هیچ‌گونه دلالتی بر عدم اعتبار مازاد بر آن یا کمتر از آن بر این جملات بار نیست. به ویژه در عبارات فقها در برخی شرایط از قبیل: تعارض دو بینه، اعتبار شهود مازاد بر دو نفر به خوبی نمایان است و شهادت کمتر از دو نفر نیز در پاره‌ای موارد و موضوعات (صرف نظر از قبول مطلق آن در باب اخبار و روایات که اهمیتشان کمتر از موضوعات احکام و ترافعات نیست)، معتبر شناخته شده است. در کتاب الاجتهاد و التقلید (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۸) مرحوم خوئی آمده است: در اثبات موضوعات خارجی مانند: «نجاست»، «اجتهاد» و «اعلمیت» نیز مانند ترافعات، هم بینه اصطلاحی معتبر است و هم شهادت یک شاهد عادل. بلکه عدالت نیز شرط نیست. زیرا وثوق به صحت قول و فعل شاهد در اثبات اعتبار آن کفایت می‌کند.

طباطبائی یزدی (۱۴۱۷، ۱: ۸۰۰) در باب اثبات عدالت اشخاص، میفرماید: هم با شهادت دو شاهد عادل ثابت است و هم با شهادت یک نفر، بشرطی که از شهادت آن یک نفر، اطمینان حاصل شود. حاصل آنکه وثوق و اطمینان، ملاک قبول و ثبوت عدالت است، به هر طریقی که حاصل شود.

شیخ انصاری (۱۴۲۰، ۲: ۶۶) در مبحث تعدیل امام می‌فرماید: اقوی این است که اگر یک شاهد به استناد شهادت دو شاهد، به عدالت امام شهادت بدهد، مورد قبول خواهد بود (یعنی در شهادت بر شهادت، در حالیکه شاهد فرع، یک نفر باشد).

اگرچه این موارد خارج از اصل مبحث شهادت و اعتبار آن است، لیکن در شهادت بر شهادت یا شهادت بر عدالت شهود، قابل بررسی است. زیرا اثبات حجیت و اعتبار شهادت شهود منوط به اثبات عدالت آنهاست، و عدالت هم با شهادت یک شاهد، قابل اثبات است. پس چگونه خود عدالت که مناط اعتبار شهادت شهود است، با ظن و وثوق به شهادت یک فرد ثابت می‌شود؟ اما موضوع شهادت، با یک شاهد عادل مورد وثوق، هیچ‌گاه قابل اثبات نباشد؟ یا احکامی که گاهی تلف جان و حیثیت مسلمین را در بردارد می‌تواند با

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

خبر و شهادت یک شاهد مورد وثوقی که حتی شرایط عدالت را هم نداشته باشد، اثبات شود اما موضوعات جزئی بین اشخاص در تنازعات، با این استدلال که نزد شارع از اهمیت برخوردار هستند، غیر قابل اثبات باشد؟

وقتی بتوان وثوق به صحت قول شاهد را به عنوان ملاک اعتبار شهادت تلقی کرد، خصوصیتی در عدلین باقی نمی‌ماند تا آن گونه که فقهاء تأکید دارند، شهادت یک شاهد عادل، فاقد اعتبار لازم قضائی باشد. چرا که ممکن است وثوق قابل اتکاء، از شهادت یک شاهد حاصل شود وحتی به مراتب بیشتر از وثوق حاصل از شهادت عدلین باشد.

آنهایی که شهادت یک شاهد عادل را فاقد اعتبار قلمداد و بر تعدد شهود (دو شاعد عادل) تأکید دارند، دلیل قابل اتکایی ارائه نداده‌اند. آیات قرآنی مورد استناد آنها (و استشهدوا شهیدین من رجالکم ... و أن لم یکونارجلین فرجلٌ و امرأتان ...) اولاً همانگونه که گذشت در استشهاد و اشهاد است نه مرحله اداء شهادت و برخی از مفسرین عقیده دارند؛ چون تأکید قرآن به دو شاهد، در مرحله استشهاد است، این تأکید به منظور رعایت احتیاط در تحصیل دلیل است و از ذیل آیه هم همین معنا مستفاد است. چرا که فرموده: اگر یکی از شهود دچار خطا و لغزش شد، دیگری او را یادآوری نماید (تا دلیل و در نتیجه حق در معرض تضییع قرار نگیرد).

از این آیات شرط تعدد (لزوم دو شاهد بودن به هنگام اداء شهادت) استفاده نمی‌شود. از این‌رو گفته شده (مراغه‌ای، پیشین: ۶۵۵) شهادت متناسب با وثوقی که ایجاد می‌کند معتبر است، چه این وثوق از شهادت یک نفر حاصل شود یا بیشتر، الا اینکه اجماع، بر تعدد آن تأکید دارد.

بررسی‌ها حاکی از این است که دلیل قوی بر فقدان اعتبار کمتر از دو شاهد وجود ندارد. از طرف دیگر افزایش تعداد شهود به بیشتر از دو نفر نیز به لحاظ حصول وثوق بیشتر، از موارد ترجیح تلقی شده است. لذا می‌توان گفت ملاک اعتبار شهادت همان وثوق قاضی است، لیکن وثوق قابل اتکاء، در شهادت دو نفر است و افزایش شهود اگرچه در افزایش میزان وثوق تأثیر دارد، لیکن اولاً بدلیل خلاف اصل بودن (به لحاظ اینکه اصل، اعتبار شهادت است که در یک نفر هم مصداق دارد)، ثانیاً صعوبت اثبات حق، نمی‌تواند در اعتبار شهادت شرط باشد. از برخی راویات نیز -که به شهادت عدلین اشاره دارند- همین معنا را می‌توان استفاده کرد. (عربیان، ۱۳۹۲)

٦- اعتبار شهادت با توجه به نظر قاضی

در بسیاری کشور های مورد بحث، قدرت اثباتی ش‌هادت به نظر قاضی واگذار شده است، چنان که این امر از قانون مدنی جدید کبک روشن می شود. حقوق تطبیقی نشان می دهد که اختیار قاضی از این حیث، رو به افزایش است و محدودیت هایی که در گذشته وجود داشته، در حال کاهش است؛ از این رو قانون گذاران جدید به نظر قاضی اهمیت بیشتری می دهند؛ البته گزارش های ملی نشان می دهند که اعتبار نظر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

قاضی به هیچ وجه مطلق نیست و حداقل از این حیث که باید منطقی و مستدل باشد، محدود است. در برخی گزارش های ملی، تصریح شده که قدرت اظهار نظر قاضی با لزوم منطقی و عقلانی بودن محدود شده است، امری که می تواند به عنوان اصل کلی و عمومی در تمانی کشور ها محسوب شود؛ گزارش ملی بلژیک به همین نظر اشاره می‌کند، با این بیان که قاضی دعوی نمی‌تواند تحلیلی از اظهارات شاهد را بپذیرد که با عبارات وی منافات دارد (http://vasael.ir)

استثناهای قدرت ارزیابی قاضی

در حقوق برخی کشورها (صفایی، ۱۳۸۳)، غیر از محدودیت قدرت ارزیابی قاضی به خاطر لزوم عقلانی و منطقی بودن، می توان استثناها و محدودیت های متعدد دیگری نیز در این باره یافت، که برخی از آنها به مواردی مربوط است که قدرت قاضی محدود شده است و برخی دیگر به مواردی مربوط است که قاضی باید شهادت را به فراموشی بسپارد. شهادت درباره وقایعی که اطلاع از آنها به شکل غیر قانونی بوده است برای جلوگیری از تحصیل دلیل به شکل غیر قانونی، در برخی نظام های حقوقی اگر شاهد اطلاعتش را به شکل غیر قانونی به دست آورده باشد، شهادت بی ارزش است؛ اما هنوز تمایل به پذیرش این شهادت به منظور کشف حقیقت وجود دارد؛ در نتیجه نیاز به کشف حقیقت از این راه، تضمین رعایت قوانین آمره در مورد کسب اطلاعاتی را که موضوع شهادت هستند، از بین می برد.

۷- معیار اعتبار شهادت از دیدگاه قانونگذار

قانونگذار در قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ش از شهادت بهعنوان دلیل اثبات در موضوعات یاد کرده (مادهٔ، ۱۲۵۸) اما از واژهٔ گواه یا گواهی استفاده نکرده است در دیگر قوانین مصوب حسب اقتضائات به گواه و گواهی اشاره دارد؛ بدون اینکه شهادت اصطلاحی مقصود نظر باشد. قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ش برعکس قانون مدنی مباحث و احکام مربوط به شهادت و شهود را تماماً با واژهٔ گواه و گواهی بیان نموده و در برخی قوانین (قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ش، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ش، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ش، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ش، قانون حمایت از خانواده، قانون اجرای احکام مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ش و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش) هر دو واژهٔ «شهادت» و «گواهی» یا «شاهد» و «گواه» به یک معنی و حتی در یک عبارت به کار رفته است.

این عبارات تردیدی باقی نمی‌گذارد که قانونگذار این دو واژه را در یک معنی به کار برده و هرجا که مقصود از شهادت، شهادت غیر واجد شرایط شرعی بوده، گواهی هم به همان معنی و درجایی که هدف بیان اعتبار بینهٔ شرعی بوده، واژهٔ گواهی نیز در آن معنی به کار رفته است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

از عبارات پیشگفته میتوان نتیجه گرفت که مقصود قانونگذار از شهادت و گواهی، به ویژه شهادت شرعی، به معنای بینه نبوده تا لزوماً تمام شرایط و آثار بینه- آنگونه که مورد تأکید فقهاست- بر آن مترتب باشد و با توجه به اینکه قانونگذار بینه را شهادت شرعی عنوان کرده، میتوان گفت شهادت مترادف با گواهی غیر از بینه است. ازاینرو در مادهٔ ۴۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ش، ارزشیابی اعتبار و درجهٔ تأثیر شهادت را به تصریح در اختیار قاضی گذاشته است؛ درحالی که در مادهٔ ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش صرفاً درصورتی که شهادت واجد شرایط شرعی نباشد، میزان تأثیر و ارزش آن در حدود امارهٔ قضایی به نظر قاضی واگذار شده است؛ وگرنه در شهادت شرعی که مترادف بینه است، این اختیار به نظر اکثریت فقها و بهتصریح مادهٔ ۱۷۵همان قانون از قاضی سلب شده است. این رویکرد با قول به اعتبار تعبدی منطبق است که اعتبار شهادت را ناشی از بینهٔ شرعی بودن و نه به لحاظ وثوقآوری و اقناع وجدان قاضی قلمداد می‌نماید. شاهد مدعا هم تفکیک شهادت از «شهادت شرعی» از سوی قانونگذار به ویژه در سالهای اخیر است که در موارد شهادت اصطلاحی (بینه) همواره قید «شرعی» را پس از شهادت آورده (مواد ۱۷۶تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش) و در مادهٔ ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی ادلهٔ (اقرار و شهادت) فاقد شرایط شرعی و قانونی را در حد «اماره قضایی» و با این عنوان معتبر دانسته است.

به نظر میرسد تفکیک بینه از شهادت که از سوی برخی حقوقدانان صورت می‌گیرد، متأثر از این گرایش قانونگذار است تا اعتبار شهادت را در دو قالب تعبدی و وثوق عقلایی تفسیر کنند. در این راستا گفته شده است: بینه ظهور در شهادتی دارد که در صورت اجتماع شرایط آن بر قاضی تحمیل میشود و دادرس نمی‌تواند برخلاف مفاد آن حکم کند؛ درحالی که اعتبار شهادت به نظر قاضی است و باید وجدان او را قانع سازد (کاتوزیان، ، ۱۳۹۲. ص ۱۳). شهادت در این قول مترادف با امارهٔ قضایی است و بهنظر میرسد مادهٔ ۴۲۴قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ش نیز در این معنی میگنجد؛ مگر اینکه ملاک اعتبار شهادت دو شاهد عادل، بنای عقلا و وثوق عقلایی باشد، نه تعبد صرف از شارع و قانونگذار آنگونه که در امارهٔ قانونی نیز مطرح است.

۷-۱- اعتبار تعداد و مرد بودن در شهود

یکی دیگر از آثار تفاوت دو قول، بحث تعین و خصوصیت تعداد شهود و ذکوریت آنهاست. در قول به اعتبار شرعی و تعبدی، «دو شاهد مرد» بهعنوان سبب ثبوت و وجوب حکم، شناخته شده و همانگونه که بیان شد، ظن حاصل از شهادت، تأثیری در اعتبار آن ندارد. شهید ثانی عقیده دارد: دو شاهد برای اثبات موضوعات کفایت میکند، لذا افزایش تعداد شهود هیچ تأثیری نخواهد داشت. همانگونه که کاهش تعداد شهود از دو نفر باعث سلب اعتبار بینه بوده، حتی اگر وثوق بیشتری نسبت به شهادت دو شاهد ایجاد کند (العاملی، ۱۴۱۰ق، ج، ۳ص. ۱۳۹).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

این مطلب نظری به اعتبار مقدار ظن حاصل از شهادت شهود و طریق بودن آن ندارد، زیرا اگر معیار اعتبار، ظن حاصل از شهادت باشد، حصول ظن در شهادت دو شاهد کمتر از چهار و یا بیشتر بوده، درجهٔ اعتبار آن نیز باید کمتر باشد.

اما در قول به اماریت و طریقیت بینه، ملاک اعتبار همان طریق بودن و ایجاد وثوق است که مبنای اعتبار شرعی است؛ لذا افزایش تعداد شهود اگر به وثوق عقلایی منجر شود، موجب افزایش اعتبار شهادت خواهد بود. البته قائلان به طریقیت بینه، این معیار را به دلیل برخی نصوص در جهت کاهش تعداد شهود به کمتر از دو نفر تسری ندادهاند؛ اگرچه با قبول طریقیت، و پذیرش «وثوق» حاصله به عنوان معیار، نفس عدد شهود موضوعیتی نخواهد داشت، بلکه میتوان ادعا کرد که سقف عرفی و نوعی عدد شهود که از یک سو، وثوق قابل قبول ایجاد کرده، احتمال عدم صحت گفتارشان به حداقل برسد، و ازسویدیگر، کف مورد قبول هم باشد تا اشتراط تعداد بیشتر آنها صاحب حق را دچار حرج نکند، همان عدد »دو« است .در قانون مدنی که به شهادت شهود به عنوان یکی از ادلهٔ اثبات اشارهشده، به تعداد شهود تصریح نشده است؛ اگرچه فحوای برخی مواد ازجمله مادهٔ ۱۳۱۷که به لزوم اتحاد مفاد شهادت شهود اشعار دارد، نشانگر عدد در شهود است تا جایی که شامل شاهد واحد نمیشود؛ بااینوصف، در قوانین پس از انقلاب و از باب تکمیل در مادهٔ ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ش به تفصیل ذکر شده و موارد غالب آن، دو مرد عادل است.

مجامع حقوقی به اتکای بنای عقلا در اعتباربخشی به ادلهٔ اثبات ازجمله شهادت شهود، اختیار قبول یا رد شهادت شهود و میزان اعتبار آن را به دادرس میدهند؛ ازاینرو گفته شده است، در حقوق جدید ارزشیابی نهایی اظهارات شاهد را به دادرس سپردهاند، لذا شمار شاهدان در این ارزشیابی اهمیتی ندارد و ممکن است دادگاه از گواهی یک شاهد معتبر به یقینی برسد که گفتههای گروهی از شاهدان نیز توان برابری با آن را نداشته باشد)کاتوزیان، ، ۱۳۹۲ ص. ۷۶). البته با این فرض که اعتبار شهادت جز در موارد خاص بسته به میزان اعتقادی است که در وجدان دادرس ایجاد میکند؛ گاه قانون برای بالا بردن ضریب اطمینان، به تعدد شمار شاهدان حکم میکند و رویهٔ قضایی بهسختی شهادت یک تن را برای اثبات کافی میداند (همان. ص۱).

۸- در قانون مصر

با توجه به مباحث فوق می بایست فهمید که قانون مصر چه ملاک هایی در باب شاهد واحد مد نظر قرار میدهد. آنطور که پیداست با توجه به ماده ۶۴ در قسمت قانون الاثبات فی المواد المدنیهٔ والتجاریهٔ کشور مصر که بیان میدارد " لایکونا اهلا للشهاده من لم تبلغ سنه ۱۵ سنه علی انه یجوز ان تسمع اقوال من لم یبلغ هذاالسن بغیر یمین علی سبیل الاستدلال. " (این مجاز است که شهادت یک فردی که تا ۱۵ سالگی نرسیده باشد شنیده می شود. ممنوع است که کلمات کسانی را که به این سن رسیده اند بدون حق در راه استنتاج

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

بشنوند.) این بدان معناست که شرایطی که کشور مصر قوانین حود مروبط شهادت وضع کرده است قبل از هر چیز به سن توجه دارد اما به توجه به ماده ۵۴ همان قانون بیان شده است "یجری التحقیق بالمضاهاه طبقا للاحکام المنصوص علیه فی الفرع السایق. ویجری التحقیق بشهاده الشهود وفقا للقواعد المقرره لذلک. " (تأیید باید مطابق مفاد مقررات شاخه مربوطه انجام شود. شهادت شهود باید مطابق با قوانینی که برای این منظور تعیین شده مورد بررسی قرار گیرد.) بنابراین مسئله باید گفت که حقوق کشور مصر قوانین خاصی را به امر شهادت که نوعا بینه ای مهم و حائز اهمی برای اثبات ادعاست در نظر گرفته است. با این حال می توان اینگونه قضیه را بیان کرد که امروزه دیگر در بسیاری از کشورها دیگر تعداد شهود نسبت به گذشته اهمیت کمتری یافته است. قاضی می تواند با شاهد واحد نیز یقین حاصل کند. مفهوم «شاهد واحد، شاهد معتبری نیست»، دیگر مصداقی ندارد. در حقوق اسلام، برای پرهیز از خطا و اشتباه، این قاعده مقرر شده که شهادت واحد اصولاً کفایت نمی کند، اما شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن عادل دلیلی را به وجود می آورد؛ البته در قوانین ایران، هیچ شرطی درباره عدد یا مذکر بودن لازم دانسته نشده است؛ گرچه قاضی در عمل معمولاً برای ایجاد یقین و اطمینان به یک شهادت رضایت نمی دهد.

ماده ۸۱ قانون مدنی می گوید: «یک شاهد باید به صورت موثری شهادت دهد و از یادداشت های مذکور نمیتوان به جز موارد استثنایی و پس از مجوز دادگاه این کار را انجام داد»، و ماده ۲۱۶ کدگذاری احکام مصری می گوید: «شهادت باید تحویل داده شود و ارجاعات مکتوب نباید مورد استفاده قرار گیرد، مگر با اجازه دادگاه یا قاضی مجاز و جایی که ماهیت پرونده موجه است. » ماده ۲۰۵ بیان می دارد: «هر کسی که قادر به صحبت نیست، گواهی، در صورت امکان، از طریق نوشتن یا مرجع، قصد خود را نشان دهد. " (ابراهیم سعد، ۱۹۹۵).

۸-۱- اعتبار شاهد واحد درقوانین مصر

با توجه به اصل موضوع معیار تعیین شاهد در قوانین مختلف آمده است اما در قوانین کشوری مانند مصر که قوانین آن برای شهادت تعریف شده است و هیچ حرفی از اعتبار شهادت به تعداد نیامده است نمیتوانیم به قطع بگوییم که این مسئله در قوانین مصر جاری است اما با نظر به مواد مجود در قوانین میتوان استنتاج کرد که مواهد مربوط به شهادت بیشتر به اعتبار خود شاهد نظر دارد تا اعتبار تعداد آن. همانطور که ماده ۶۰ قانون الاثبات آمده است (فی غیر المواد االتجاریه اذا کان التصرف القانونی تزید قیمته علی خمسمائه جنیه او کان غیر محدد القیمه , فلا یجوز شهاده الشهود فی اثبات وجوده او انقضائه ما لم یوجد اتفاق او نص یقتضی بغیر ذلک, ویقدر الالتزام باعتبار قیمته وقت صدور التصرف ,ویجوز الاثبات بشهاده الشهود اذا کانت زیاده الالتزام علیخمسمائه جنیه لم تات الامن ضم الفوائد والملحقات الی الاصل ۹۹/۱۸,

واذا اشتملت الدعوی علی طلبات متعدده ناشئه عن مصادر متعدده جازالاثبات بشهادهالشهود فی کل طلب ل تزید قیمته علی مائتی جنیه ولوکانت هذه الطلبات فی مجموعها تزید علی هذه القیمه و لو کان منشؤها

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

علاقات بین الخصوم انفسهم او تصرفات من طبیعه واحده. وتکون العبره فی‌الوفاءاذا کانت جزئیا بقیمه الالتزام الاصلی ,) در مواد غیر تجاری، اگر رفتار قانونی فراتر از ارزش پوند باشد یا ارزش مشخص نشده باشد، مجاز نیست شهادت گواهینامه ها را در اثبات وجود یا انقضای آن مجازات کند، مگر اینکه توافق یا متن وجود داشته باشد که نیاز به دیگری دارد، این وظیفه به عنوان ارزش آن در زمان تعیین شده ارزیابی می شود. شاهدان می توانند در صورت افزایش وظایف خود در مورد حراست خود شهادت دهند. امنیت شامل مزایا و ضمانت ها در اصل ۹۹/۱۸، اگر پرونده شامل چندین درخواست ناشی از منابع متعدد باشد، شواهد شاهدان باید در هر پرونده ثبت گردد. با توجه به ماده فوق اعتبار شاهد از جانب خود اصل موضوع مورد توجه قرار گرفته است تا تعداد هر چند ممکن است عرف و رویه قضایی در این قضیه دخیل باشد همانطو که در کشور ما قضات به یک شاهد رضایت نمیدهند (صفایی، ۱۳۸۳)پس بنابراین می توان اینگونه همه چیز را روشن نمود که شاید اعتبار شاهد به در محمکمه بیشتر مورد نظر است تا در قانون. البته قانون گذار در ماده ی ۷۰ این قانون اظهار می دارد: (للمحکمهٔ من تلقاء نفسها ان تأمر بالاثبات بشهادهٔ الشهود، أن تستدعی للشهادهٔ من تری لزوما لسماع شهادتهٔ) دیوان دادگستری می تواند مدرک شهادت شاهدان را صادر کند، شهادت کسانی را که نیاز به شنیدن یک شاهد دارند، احضار کنند.

نتیجه گیری

بررسی های انجام شده حاکی از این است که فقها بر اساس ادله ای که یکی از مهمترین آنها روایت مسعده بن صدقه دانست، اعتبار شهادت شهود را شرعی و به تعبد از شارع میدانند و از طرفی غالباً برای آن اماریت و طریقیت قائل اند که این امر مربوط می شود به اینکه در اسلام اصولا شاهد واحد اعتبار آنچنانی ندارد. برخی دیگر نیز در کنار این گروه، اعتبار بینه را از بنای عقلا میدانند و معتقدند این اعتبار ریشه در بنای عقلا دارد که شارع آن را تنفیذ کرده است و ملاک آن چیزی نیست جز وثوقی که از اخبار شهود از موضوعات و احکام حاصل میشود. لذا بینه طریقیت دارد و آن رسانندگی به واقع است؛

آنطور که پیداست نمی توان اعتبار شاهد واحد را چه در حقوق ایران و چه در حقوق مصر به طور کامل از نظر دور داشت چرا که امروزه دیگر شهادت به آن معنا زیاد مورد بحث قرار نمیگیرد و در نهایت امر مهم همان اصالت امر شهادت است که مد نظر قرار میگیرد و شهادت چه در اثبات جرم و چه در مراحل دیگر قانونی زیاد تفاوتی ندارد. از آنجایی که قانون مصر اصل شهادت را معیار قرار داده و بحثی از تعداد شهود به میان نیاورده است اما با جمع بستن کلمه شاهد در تمام مواد نشان از این دارد که به صورت عموم اعتبار شاهد واحد در قانون مصر آنچنان به چشم نمیخورد و لازمه ی تحقیق و بررسی بیشتر است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

فهرست منابع و مآخذ

ـ العاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی). (۱۴۲۰). الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم، انتشارات داوری.

ـ الانصاری، زکریا بن محمد بن احمد بن زکریا، ۱۴۱۸هـ ق، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ـ شهید اول (ابی عبدالله شمس الدین محمدبن جمال الدین مکی العاملی)، لمعه دمشقیه، تهران، موسسه نشر یلدا، چاپ دوم، ۸۳۷۴. خویی، سیدابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد اول، قم، دارالهادی، ه. ق۸۴۰۷

ـ خویی، سید ابوالقاسم. ۸۳۳۸. تکمیله المنهاج، ترجمه علیرضا سعید، انتشارات خرسندی، چاپ چهارم

ـ شهید اول (محمد بن مکی عاملی)، ۸۳۱۳ للمعه دمشقیه جلد اول، ترجمه حمید مسجد سرایی، انتشارت خط سوم، چاپ اول.

ـ کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). اثبات و دلیل اثبات. تهران، چاپ بنیاد حقوقی میزان، چاپ هفتم

ـ طباطبائی یزدی، محمدکاظم، ۱۴۱۷ هـ ق ، العروه الوثقی، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ـ مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱هـ ق ، القواعد الفقهیه، جلد دوم، چاپ سوم، مدرسه امام امیرالمؤمنین(ع)

ـ نوری طبرسی، میرزاحسین، ۱۴۰۹ هـ ق ، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، جلد هفدهم، چاپ دوم، مؤسسه آل البیت لاحیاءالتراث.

ـ موسوی خوئی، ابوالقاسم، ، ۱۴۱۰هـ ق ، کتاب الاجتهاد والتقلید، چاپ سوم، قم، دارالهادی.

ـ گلپایگانی، محمدرضا، ۱۴۰۵هـ ق. کتاب الشهادات، قم، دارالقرآن الکریم.

ـ نبیل ابراهیم سعد " الاثبات فی المواد لمدنیهٔ والتجاریهٔ" دار النهضهٔ العربیهٔ للطباعهٔ والنشر بیروت. دون دکر سنهٔ الطبعهٔ، ۱۹۹۵.

مقالات

ـ صفائی، حسن، ارزش اثباتی شهادت در حقوق خصوصی، مقاله ۷، دوره ۶، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۳، صفحه ۱۳۳-۱۵۷

ـ عربیان، اصغر، عدم اختصاص «بینه» به شهادت دو شاهد، مقاله ۶، دوره ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۶۵-۲۰۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-02-05]